

210-238

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 210

Date of filing: 14/10/91

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of and Do of Mr Allison
- Date 3 Sept 91
_____ pages in English 11 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
CONCURRING AND DISSENTING OPINION
 Case No. 210
 Chamber Three

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ

پرونده شماره ۲۱۰

شعبه سه

حکم شماره ۳-۲۱۰-۵۲۰

DUPLICATE
 ORIGINAL
 نسخه برابر اصل

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	14 OCT 1991
	تاریخ ۱۲۲۰ / ۱۲ / ۲۳

ویلیام جی. لویت ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران ،

شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان ، و

بانک ملی ایران ،

خواندگان.

English version	
Filed on	3 SEP 1991
	نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۲ / ۹ / ۱۳۲۰
	ثبت شده است.

نظر موافق و مخالف ریچارد سی. آلیسون

۱ - اینجانب به طور کلی با نظرات مندرج در حکم درباره صلاحیت دیوان و تعهد شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان ("مغان") به پرداخت غرامت بابت تجهیزاتی که در اختیار خود گرفته، به شرح بند ۱۲۴ حکم، موافقم. من همچنین با حکم به پرداخت هزینه‌های داوری حاضر به نحو مقرر در بند ۱۲۶ و رد ادعاهای متقابل خواندگان و

راعی بر الزام خواندگان به انجام کلیه اقدامات لازم برای آزاد کردن اعتبارنامه‌هایی که اینترنت‌نال کانستراکشن کامپنی ("آی‌سی‌سی") برای تضمین ضمانتنامه‌های موضوع قرارداد مورخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۶ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۷] با مغان افتتاح کرده بود و ابطال ضمانتنامه‌های مربوطه انجام کار موافقم. بر این اساس، به منظور تشکیل اکثریت لازم در مورد آرای پیشگفته، با حکم حاضر موافقت می‌کنم. این نظر جداگانه را به این لحاظ می‌نویسم که مخالفت خود را با کوتاهی حکم در دادن مبالغ دیگری که به نظر من خواهان ذیحق دریافت بوده است اعلام کنم.

۲ - مخالفت من با حکم مربوط است به کوتاهی آن در پرداخت حق‌الزحمه خواهان بابت کارهای اضافه‌ای که آی‌سی‌سی طبق قرارداد برای احداث طرح آبیاری در ایران انجام داده است. دیوان امتناع خود را از پذیرفتن این هزینه‌های اضافی منسوب به دو عامل نموده است: (۱) نقایص ادله مثبت خواهان و (۲) نظر خود مبنی بر اینکه اجرای کار قراردادی توسط آی‌سی‌سی خالی از اشکال نبوده است. هیچیک از این نکات کاملاً نادرست نیست ولی مخالفت من با میزان تأثیری است که نکات مزبور می‌بایست در حکم صادره در این پرونده داشته باشند.

۳ - سوابق حکایت از قرارداد پر مضمضه‌ای می‌کند که پیمانکار آن می‌خواسته پروژه را تحت شرایطی به اتمام رساند که بعد از دعوت اولیه به مناقصه دستخوش تغییرات بنیانی گردیده بود. هنگامی که این پرونده برای رسیدگی در دیوان مطرح شد، هر یک از طرفین ادعاهایی علیه دیگری تنظیم کردند که تا حد زیادی منوط به مدارکی بود که طی مدت قرارداد در ایران به وجود آمده بود. بر این اساس، دیوان دستورهایی برای ارائه تعدادی مدارک صادر کرد. کاملاً محسوس است که خواندگان این دستورها را به طور کامل رعایت نکردند. در مواردی که طرفی دستورهای دیوان مبنی بر ارائه مدارک کاملاً مرتبط با موضوعات پرونده را عمداً

رعایت نمی‌کند، برخورد دیوان با مسئله، بستگی به قضاوت شخصی دارد. (۱) لیکن اکثریت قبول دارند که عدم رعایت عمدی دستورهای دیوان از ناحیه یک طرف این استنباط را به وجود می‌آورد که ارائه مدارک مورد درخواست در جهت تأیید استدلال آن طرف نبوده است. این استنباط به نوبه خود به ادعاهای طرف دیگر که احتمالاً "همراه با مستندات کامل نبوده ولی با روند کلی واقعیات حاصله از ادله موجود در پرونده مطابقت دارند بیشتر اعتبار می‌بخشد و به همین نحو از اعتبار اظهارات خود طرفی که دستورها را رعایت نکرده می‌کاهد.

۴ - دیوان در شرایطی تقریباً مشابه در حکم شماره ۱-۱۶۱-۱۸۴ مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۳ اوت ۱۹۸۵] صادره در پرونده آی.ان.آ کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 373, 382 ۸ اشعار داشت که:

اشارات متعدد گزارش به قواعد و دستورالعملهای خاص بیمه مرکزی نیز قضاوت در اعتبار روشهای ارزشیابی به کار رفته را برای دیوان غیر ممکن می‌سازد. خواننده نه متون اصلی این قواعد و دستورالعملها و نه اسناد موضوعه را، علیرغم دستور دیوان، ارائه نداده است. کوشش خواننده در معذور نمودن خود از عدم رعایت دستور دیوان صرفاً با ذکر اینکه این اسناد "حجیم" است قانع کننده نمی‌باشد. خواننده تا جلسه استماع یعنی مدتها بعد از سپری شدن تاریخ تسلیم این اسناد به این عذر متوسل نشده و حتی در آن زمان نیز اشاره‌ای به میزان واقعی اسناد مربوط نکرده یا شرحی در مورد مشکلات ادعایی مربوط که مانع تسلیم اسناد توسط خواننده یا بازرسی آنها بوسیله آی.ان.آ. باشد، ارائه ننمود. در تعیین اعتبار و قابلیت استناد به گزارش امین دیوان لاجرم از قصور خواننده در تسلیم مدارکی که دستور تهیه آنها را داده، استنباط منفی می‌کند. اجمالاً اینکه گزارش موعسه امین به اندازه‌ای مشروط و محدود است و به حدی تحت تأثیر روشهای حسابداری توضیح داده نشده‌ای است که به طور اخص اتخاذ گردیده (و نه اینکه

(۱) شکی نیست که عمل خوانندگان در عدم ارائه مدارک مورد درخواست دیوان در این پرونده عمدی بود. در جلسه استماع، از جمله معاذیری که برای این رفتار عنوان کردند، این بود که نمی‌خواستند با تسلیم اسناد و مدارک حجیم کار دیوان را سنگین کنند.

عموما" مورد قبول باشد) که نمی‌توان آن را منعکس کننده
ارزش بیمه شرق در تاریخ ملی شدن دانست. (خط تأکید
اضافه و اسامی ماعذ حذف شده است)

۵ - خوانندگان این پرونده از تحویل مدارک مورد درخواست دیوان خودداری و نیز روشی در تسلیم مدارک خاصی اتخاذ کردند که به همان اندازه ناپسند است. من‌باب مثال، در ارائه یک رشته مکاتبات بین طرفین، خواننده (مغان) فقط نامه‌هایی را که خود نوشته و مناسب منظورش بوده ارائه داده و از تسلیم مکاتبات خواهان در همان رابطه، از جمله نامه‌هایی که در مدارک تسلیمی مغان به آنها مشخصا اشاره شده، خودداری کرده است.

۶ - باید قبول کرد که عدم توانایی ادعایی خود خواهان در ارائه مدارک موعد و واقعیات از دید خود، سوابق این پرونده را مبهم تر کرده است. اینکه تقریبا" هیچگونه مدرکی در خارج از ایران نگاهداری نمی‌شده برای شرکتی که مدیریت مجرب و پیشرفته‌ای داشته غیر قابل توضیح است. به همین‌گونه، اینکه یکی از کارمندان ارشد سابق شرکت که مسئول پروژه آبیاری در ایران بوده به عنوان شاهد معرفی نشده، خلل بزرگی در اثبات ادله خواهان ایجاد نمود.

۷ - بدیهی است که بار اثبات ادعا بر عهده خواهان است ولی من حیث‌المجموع به نظر من، باتوجه به روش ظاهرا" حساب شده و بی اعتنایی خوانندگان به دستورهای دیوان برای ارائه مدارک، دیوان می‌بایست به اسناد تسلیمی خوانندگان با تردید بیشتری می‌نگریست.

۸ - با وجود مشکلات مربوط به مستندات که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، معهدا پاره‌ای از واقعیات مهم را می‌توان محرز دانست و حکم نیز چنین کرده است. موارد زیر از این جمله‌اند:

(الف) مدت اولیه قرارداد تمدید شد و آی‌سی‌سی کارهایی فراتر از آنچه که بدواً پیش‌بینی شده بود، روی پروژه انجام داد و حداقل بابت مقداری از این کارها وجهی دریافت نکرد.

(ب) گرچه مغان در داوری حاضر ادعا کرد که اجرای قرارداد توسط آی‌سی‌سی بسیار ناقص بوده، مغان خود در ایجاد مشکلاتی که آی‌سی‌سی با آنها مواجه شد سهمیم بوده است.

(ج) مغان هیچگاه به مواد قراردادی که به وی حق می‌داد قرارداد را با دلیل فسخ و از آی‌سی‌سی مطالبه جریمه کند استناد نکرد. (۲)

(د) در نوامبر یا دسامبر ۱۹۷۸، آی‌سی‌سی بیش از ۸۲ درصد پروژه آبیاری را تکمیل کرده بود.

(هـ) آی‌سی‌سی از ماه مارس تا پایان مه ۱۹۷۹ سعی کرد پروژه را به طور موقت تحویل دهد، ولی مغان از همکاری خودداری کرد.

(و) با وجود اختلالات ناشی از اوضاع انقلابی و وقفه حاصله از تغییر دولت، آی‌سی‌سی با انتقال مبلغ ۷۷۰،۴۰۰ دلار آمریکا در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۸ اکتبر ۱۹۷۸] و مبلغ ۴۹،۷۰۵ دلار آمریکا در آوریل ۱۹۷۹ به ایران، کماکان به تأمین وجوه لازم برای عملیات خود در ایران ادامه داد.

(۲) همچنین در ماده ۲۹ قرارداد دستور تغییر کار نیز پیش‌بینی شده است که در پروژه‌هایی از این نوع امری عادی است. با توجه به اینکه آی‌سی‌سی به کار ادامه داده و برای رفع موانع و مشکلات مختلف (که برخی از آنها ناشی از عمل مغان بوده یا طبق قرارداد مغان باید می‌پرداخته) کوشیده بود، به ظن قوی کارفرما و پیمانکار در باره کار اضافی که انجام آن اذعان شده، توافق داشتند.

(ز) هنگام استماع این پرونده (در فوریه ۱۹۹۰) پروژه آبیاری تکمیل شده و مورد بهره‌برداری بود.

۹ - خواهان معتقد است که هزینه‌های آبیاری در ارتباط با پروژه آبیاری حدود ۹۰،۱۸۲،۵۱۴ ریال بیشتر از مبالغ دریافتی وی بوده است. دیوان از بابت این کسر پرداخت ادعایی حکمی نداده است. گرچه حکم ذکر می‌کند که آبیاری کارهایی طبق قرارداد انجام داده که وجهی از بابت آنها دریافت نکرده، نهایتاً نتیجه گرفته است که مبالغی که آبیاری بابت اینگونه کارها طلبکار است در برابر خسارات و مطالبات مغان "کاملاً" تهاتر شده است. به نظر اینجانب، با وجود عدم متابعت خواندگان از دستورهای دیوان و دستکاری آنان در مدارک، حکم دیوان بسیاری از موارد تردید را به نفع خواندگان رفع کرده است. (۳)

(۳) به طوری که در بند ۶۴ حکم متذکر شده: "خواندگان اکثر اسناد مورد درخواست را تسلیم نکرده‌اند... توضیحات آنان که اغلب متناقض و طفره‌آمیز است حاکی از تعمد در عدم رعایت دستور است و نه عدم توانایی در ارائه مدارک."

در چنین اوضاع و احوالی دیوان احتمالاً "بیش از حد لزوم تحمل و شکیبایی نشان داده است. به طوری که یکی از صاحب‌نظران اظهار داشته:

دیوانهای بین‌المللی که به طور کلی اختیار ندارند شهود را وادار به حضور یا ارائه مدارک مستند کنند، به ویژه متکی به جدیت و صداقت طرفین دادرسی در ارائه مدارک موجود می‌باشند... در مورد طرفی که به میل خود همکاری نمی‌کند، این دیوانها برای وادار کردن وی به افشای حقایق در دسترس خود اختیارات قابل توجهی دارند، مانند اختیار صدور حکم علیه دولتی که در عمل کوشش کافی مبذول نکرده و مدارک مهمی را ارائه نمی‌دهد. ولی..... دیوانها مأمور پلیس ندارند که مقامات متمرّد آن دولت را به دیوان جلب و وادار به افشای مدارک مورد نظر کنند. به این دلایل و به لحاظ اهمیت حل و فصل اختلافات بین‌المللی بر اساس واقعیات اوضاع تا حدی که بتوان آنها را مشخص کرد، طرفین دعاوی بین‌المللی در ارائه کلیه مدارک تحت اختیار خود تعهدی وسیعتر از آن دارند که معمولاً در دعاوی داخلی برای طرفین وضع شده است.

D. Sandifer, Evidence Before International Tribunals (Charlottesville: 1975) at p. 112.

(خط تاکید اضافه شده است)

۱۰ - در محاسبه مبلغ هزینه‌هایی که آی‌سی‌سی برای کارهای انجام شده صرف کرده و مغان بابت آنها وجهی پرداخت نکرده، در حکم ارقامی به کار رفته که بی جهت محافظه‌کارانه می‌باشد. بالاخص، حکم فقط مبلغ ۲۷۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال را به عنوان مجموع تقریبی هزینه‌های آی‌سی‌سی ماعخذ قرار می‌دهد و در نتیجه کلیه اقلام قریب ۸۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال هزینه‌های اداری و غیر مستقیم را که در اظهارنامه مالیاتی و اسناد مالی موعید آن درج گردیده رد می‌کند. خواهان اشاره کرده که در محاسبه مجموع هزینه‌های آی‌سی‌سی از بابت قرارداد، وی این دسته از هزینه‌ها را تا ۵۰ درصد و تقریباً به مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال کاهش داده تا میزان تخصیص اینگونه هزینه‌ها برای پروژه آبیاری مغان محافظه‌کارانه باشد. به نظر من، تعدیلی که خواهان انجام داده باید کافی باشد تا این امکان را که برخی از این هزینه‌ها می‌توانسته مربوط به پروژه دیگری باشد از بین ببرد. بنابراین، من در تعیین هزینه‌های جبران نشده آی‌سی‌سی مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال هزینه‌های اداری و غیر مستقیم را منظور می‌کردم تا جمع هزینه‌ها به ۲۲۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال بالغ شود. آی‌سی‌سی تقریباً مبلغ ۲۲۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال از مغان دریافت کرد. بر این اساس، میزان تقریبی کسری، اختلاف بین این دو رقم (یعنی ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال) است نه ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریالی که در حکم ذکر شده است.

۱۱ - گرچه عناصری که منجر به تهاثرهایی به نفع مغان می‌شده کاملاً توهمی به نظر نمی‌رسد ولی نادیده گرفتن کامل این مبالغ پرداخت نشده را نمی‌تواند توجیه کند. ظاهراً حکم براساس دو دلیل زیر این زیانها را کلاً رد کرده است. (۱) نحوه اجرای قرارداد توسط آی‌سی‌سی و (۲) بعضی از اقلامی که در ترازنامه منضم به اظهارنامه‌های مالیاتی تسلیمی خواهان دیده شده است.

۱۲ - به نظر می‌رسد که کاری که آی‌سی‌سی طبق قرارداد انجام داده بی نقص نبوده

است. متأسفانه به علت قلت و دست چین بودن اسنادی که خوانندگان در تأیید این اظهار ارائه داده‌اند نمی‌توانیم تصور روشنی از درجه صحت آن به دست آوریم. از طرف دیگر می‌دانیم که اولاً "یک سیستم شبکه آبیاری دایری برای خوانندگان تهیه شده، ثانیاً" بسیاری از تأخیرهایی که در اجرای پروژه به وجود آمد مستقیماً قابل انتساب به خود مغان بوده و ثالثاً "رویدادهایی که قبل و بعد از انقلاب رخ داد کار آبی‌سی‌سی را بسیار مشکل تر کرده بود. اگر قرار باشد آبی‌سی‌سی به خاطر کمبودهای ادعایی در تعداد کارمند یا نارساییهای دیگر جریمه شود، کاهش آن قسمت از هزینه‌های اداری و غیر مستقیم مورد درخواست خواهان در این رسیدگی (که پس از کسر ۵۰٪ توسط خود خواهان، تقریباً مبلغ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰/ ریال می‌شود) برای این منظور کاملاً" کافی به نظر می‌رسید. چنانچه به این نحو عمل می‌شد، خواهان از بابت کاری که انجام داده بود ذیحق دریافت مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰/ ریال می‌گردید.

۱۳ - حکم در اظهار این نظر که خواهان بابت قسمتی از کار که به موجب قرارداد انجام داده هیچ وجهی استحقاق ندارد به دو قلم در ترازنامه‌ای که آبی‌سی‌سی همراه با اظهارنامه مالیاتی سال ۱۹۷۹ خود در ایران به ثبت رسانده استناد کرده است. در واقع حکم این ارقام را به عنوان اقرار آبی‌سی‌سی علیه خود تلقی می‌کند. قلم اول رقم دریافتی به مبلغ ۳۱،۷۵۰،۱۳۸/ ریال است که در حکم معادل مبلغی که آبی‌سی‌سی بابت قرارداد هزینه کرده و از مغان دریافت ننموده، گرفته شده است. ظاهراً" در حکم نتیجه‌گیری شده که کسر دریافتی آبی‌سی‌سی با تصویری که خود از قرارداد برای مقاصد مالیاتی تنظیم کرده کاملاً" تأیید نمی‌شود. قلم دوم رقمی تحت عنوان "پیش‌دریافتیها" (بدهی جاری) به مبلغ ۳۲،۹۵۵،۸۲۲/ ریال است. ظاهراً" برداشت حکم این است که این قلم دلالت دارد بر اینکه مغان تمامی مبالغی را که طبق ماده ۳۶ قرارداد به آبی‌سی‌سی پیش‌پرداخت کرده باز دریافت نکرده است. به عقیده من حکم روی این ارقام زیاده از حد تأکید کرده است.

۱۴ - در حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷] صادره در پرونده ویلیام جی. لویت و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 191 (منبع پرونده لویت - اول) ، دیوان دلیل اصلی علیه اتکای زیاد به همین ترازنامه‌ها را مشخص کرد و اظهار داشت: "ارقام مندرج در اظهارنامه‌های مالیاتی بر مبنای ملاحظاتی تنظیم شده که برای دیوان معلوم نیست و لذا ارزش استنادی آن برای این منظور تا اندازه‌ای محدود است..."(۴). برای همان ارقام که در پرونده لویت - اول ذکر شده نباید در این پرونده صرفاً به این دلیل که از جانب خواهان عنوان شده(۵) و نه از جانب خوانده، اهمیت زیادتری قائل شد. فقدان شرح و جزئیات روشن کننده در اقلامی که حکم

(۴) روش دیوان در حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷] صادره در پرونده لویت - اول ، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 191,209 در مورد اظهارنامه‌های مالیاتی از روشی که در پرونده حاضر اتخاذ کرده متوازن تر بود. دیوان پس از ابراز تردید در ارزش استنادی اظهارنامه‌ها چنین استدلال کرد:

دیوان داوری متقاعد شده است که مقدار معتناهی کار انجام شده و لذا مقادیر معتناهی هزینه‌های جنبی می‌بایستی توسط آی‌سی‌سی صورت گرفته باشد، گو اینکه هیچ مدرک خاصی در تأیید این مبلغ مورد ادعا در دست نیست. منصفانه‌ترین برآوردی که دیوان می‌تواند از هزینه کار انجام شده در ایران به دست دهد این است که برای ارقام مندرج در اظهارنامه مالیاتی و کل مبالغ منتقله، ارزشی مساوی قابل شود. 14 Iran-U.S. C.T.R. 191-209 (خط تأکید اضافه شد)

این روش مورد استفاده واقع شد حتی علیرغم اینکه "به دلیل فقد هرگونه سوابقی در دفتر آی‌سی‌سی در تهران، [آقای لویت] و کارکنانش با استمداد از حافظه خویش نحوه مصرف شدن این وجوه را به صورت تخمینی بازسازی کرده‌اند"، و نیز اینکه "تنها مدرکی که تاریخش مقارن همان ایام بوده و در این رابطه [می‌توانسته] حائز اهمیت باشد اظهارنامه مالیاتی است که توسط آقای آذرپی ... به ثبت رسیده است". همان ماعخذ ص ۲۰۸.

(۵) به طوری که در حکم حاضر ذکر شده، ترازنامه‌هایی که خواهان در این پرونده ارائه داده ابتدا توسط دولت ایران در پرونده لویت - اول برای تأیید ادعای متقابل مالیاتی ارائه شده بود و خواهان از آن طریق اظهارنامه‌های مالیاتی را به دست آورد و جزء سوابق این پرونده نمود.

بدانها استناد می‌کند مشهود است. قلمی که حکم آن را "مطالبات یا حسابهای دریافتنی" نامیده در واقع تحت عنوان "بدهکاران" ذکر و در مقابل آن داخل دو پرانتز به "جدول شماره ۱۸" اشاره شده است. از آنجا که جدول مورد اشاره چیزی جز تفکیک ستون به "بدهکاران جاری" و "سایر بدهکاران" نیست، دیوان درباره ماهیت رقم ۳۱،۷۵۰،۱۳۸/- ریال مورد استناد در حکم تنها براساس حدس و گمان می‌تواند اظهارنظر کند. (۶)


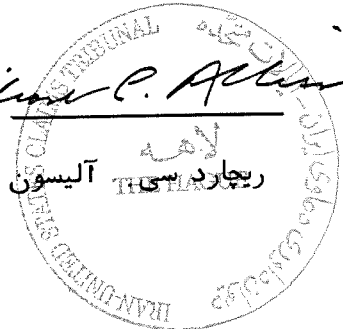
۱۵ - این تصور که قلم "پیش‌پرداختیها" (۳۲،۹۵۵،۸۲۲/- ریال) مبلغ طلب مغان است نیز مبتنی بر حدس و گمان است. مدارک موجود، اعتبار این فرض را که قلم مزبور برای این منظور بوده خدشه‌دار می‌نماید. ماده ۳۶ قرارداد مغان را ملزم می‌کرد ۲۵ درصد مبلغ اولیه قرارداد را به صورت مساعده به آی‌سی‌سی بپردازد. طبق این ماده، ده درصد از مبلغ اولیه قرارداد خود به خود یعنی با کسر ۱۲ درصد از هر صورت‌حساب پرداختی بازپرداخت می‌شد. باتوجه به مبلغی که به موجب قرارداد پرداخت شد (تقریباً ۲۲۱،۰۰۰،۰۰۰/- ریال) می‌توان فرض کرد که بازپرداخت این ده درصد کاملاً تحقق یافته است. کسر پانزده درصد دیگر منحصرًا به صوابدید مغان بود و در قرارداد پیش‌بینی شده بود که بازپرداخت این ۱۵ درصد

(۶) احتمال می‌رود این مبلغ اعتباری باشد که بابت هزینه مصالحی که مغان برای آی‌سی‌سی تهیه کرده، به بستانکار مغان منظور شده یا باز به طوری که در حکم نیز اشاره شده، احتمالاً بابت مبلغی باشد که مغان در اوایل ۱۹۷۹ در ارتباط با تعمیرات پرداخته بود. از طرف دیگر عمدتاً به دلیل عدم همکاری خواندگان در ارائه اسناد پرداخت قابل درک، دیوان نمی‌تواند اطمینان حاصل کند که این قلم درباره چه وضعیت مالی است و یا اگر اصولاً با قرارداد ارتباطی دارد، ارتباط آن چگونه است. تحت این شرایط، صحیح به نظر نمی‌رسد که این قلم را نوعی اقرار تلقی کرد. روشن نیست که عنوان "بدهکاران" حتی اشاره به مغان باشد. علاوه بر آن، چنانچه اشاره به مغان باشد معلوم نیست که تمام صورت‌حسابهای آی‌سی‌سی به عنوان مغان به آن حساب منظور شده باشد.

اختیاری می‌توانست قبل از آنکه تمامی ده درصد پیش‌پرداختی جبران شده باشد آغاز گردد. تفاوت تقریبی بین مبلغ پیش‌پرداختی (قریب ۵۶،۰۰۰،۰۰۰/- ریال) و کسور اتوماتیک (۲۲،۴۸۱،۶۶۳/- ریال) (۷) تنها ۳۳،۵۱۸،۳۳۷/- ریال است. بنابراین اگر، به طوری که تلویحا" در حکم اشاره شده، گفته شود که مبلغ ۳۲،۹۵۵،۸۲۲/- ریال رقم صحیح مبالغ جبران نشده بوده، به این مفهوم است که مغان تقریبا" به کلی از اعمال حق مسلم خود به کسور اختیاری خودداری کرده است. باتوجه به روابط تیره طرفین طی مدت قرارداد، به زحمت می‌توان باور کرد که مغان از حقوق قراردادی خود به طور کامل استفاده نمی‌کرد.

۱۶ - به نظر من، اگر دیوان، باتوجه به قصور خواندگان در رعایت دستورهای دیوان مبنی بر ارائه مدارکی که در اختیار آنها و برای تأیید ادعاهای خود آنان ضروری بوده، قاعده استنباط منفی را اعمال می‌کرد به نتیجه دقیق تر و عادلانه تری در این پرونده می‌رسید. اتخاذ موضع سختی از جانب دیوان، هشدار بود برای طرفین دعاوی مطروح در دیوان به این مضمون که دستورهای دیوان باید جدی تلقی شوند. حکم هزینه‌هایی که دیوان علیه خواندگان صادر کرد، پاسخی سودمند اما نارسا در مقابل رفتاری است که نباید تحمل شود.

لاهی، به تاریخ ۱۲ شهریورماه ۱۳۷۰ برابر با سوم سپتامبر ۱۹۹۱

(۷) مبلغ اولیه قرارداد ۲۲۴،۸۱۶،۶۳۰/- ریال و بنابراین کل مبلغ کسور اتوماتیک ۲۲،۴۸۱،۶۶۳/- ریال بود.